

آذرب

اورنجاع

گريفتريز، اسامه خود را بكار

انداخته است

بچه ارمنيه اورنجاع خود سلفه اهل آن دخل بده است. او آذرب آف نام انتشار دنده بواسطه آن برپايه حزب توده ميخواستند درك دست بكنند. هزينه هراتان درك و زوركسه؛ بطورصادفي با تبه پوري ميدهد رده امروز آذرب زورك كرده بصباب حزب توده بگذاشت. اين اسامه كه مستقيم بكار ميراث دوهم گند و موربايه خورده از آذرب آمد كسي مشر نشد؛ به آن ترتيب ابراهيم خورشيد توده با دونيكه آنها توجبه ميكنند مشول كارهاي مادي و مسامت آذرب خود بود.

نصورت برفت دامنه قننه و ناسد اطمع كرد؛ بهانه رده امروز تمام شد است ولي اين خيال خام و تصور باطلي ميش بود. فتنه جوانان نقشه خانانه نري را با ملوم ميشود تبه بگيردند اين بكي از آن نقشه هايشان است كه اورنجاع در اجراء آن مهارت دارد.

دعا سابق تمام نيات خود را بدو پايه و سياه بونع اجرا گذاشته با مردم را درآورده ساطع و حكومت خداه ران خود را تبيد ميگردد.

اجساد تومنه دروغ، انتشار خباثت بيناك تكييل و از ارباب ايتالي و سازمان هاي ترورستي و سكف ان ها تبه بدمان مروه ضد ها انتشار شر ميراث القول و شرطي باور نكردن، و قباها و سره ها و غير و غير تعدادي برده كه سال ها سابق مكرور كالگري در آن تايخوشم آن براي اذيان برداشتن اشخاص سياسي و مخالفين و زيم متخوس ديكتاتور است و ارجاع استفاده كرده اند.

چه روز ميشود در روز نامه داربا مخالف بالا بلندي در تحت عنوان حزب كوميست ايران منتشر گرديد. دو بيان مفاه كه استيه كه دستهاي مرموزي ميپوشند از اين حزب كوميست استفاده كرده كلر اهاي ارمني انجام بدهند. حتى داربا اها كورديك كه موشلازي كوميست شروع بكار كرد؛ بكي از ساختارهاي زرك مهر دار براي اياكسه اجازه نوده است و ليز در الهه گفته شده است كه در بيرون شره اشخاص مقلوني ميدهد كه او هيرات آن و وحشتو اضطراب هديه اسامي ميگردد از هنر جاب خود مرخوخ خانه؛ با ديگرين زيان مهم نبود متشابه دودوز؛ به آن و روزنامه و غير مطلب با جزئي توير تبه پديد موضوع كنيگه بدهد بود ماروزنامه داربا را كدر اديم كه هنوز هم مستقيم متابع اطلاعات اويندگان آن تا چه اندازه ليد بروه و بوينه كان مرموز دولتي از هنر قننه قاهه به منظوري داشته اند و هم دوروز؛ به آن از ان طلب دوروزنامه و بهر با اين. دگرگري نوده شده است لايه روز نامه و بهر سياسي بيون تحقيق روي اشعار مقاله نويسه.

هاي فتنه جريان خواست اند از نفوذ ايتاليويك اند روزنامه مزي جيان خود دارد. سر اسد نوده نموده خرابي خود را از قلم بويندگان آن بگوش مردم

قضايا بجزار قر از كسبه و تجار

رأيه بقانون ماليات بر در آمد

ماز اول طرفدار جدي قانون ماليات بر درآمد بوديم ولي بديستانه آتاي دستر بيليه كارى كرد كه امروزي خواهيم اصولا بر خلاف مرامق ماليات بايم.

واما اقتضاج بالاتر از اين نبشود.

از حرومين بجا بماند ۴۰۰ با كور كردن چشم خود زير شرايط دوره دنياوش بار ميشك روزي ۱۲ ليكه چهارده صامت كرد مسوم كشته سربا فرور بروه كارهاى ناگون ببلان؛ بر روسي ماليات ميگيرند اما اشخاصي كه از وسيت غير هادي يازوا مليونها باكه ميباراهد استفاده كرده اند با روزه و تريك و سته بازي از زير باو ماليات شانه خالي كرده بريش آتاي دكتور ميايوس ميشدند.

اين ماليات املا كرتنه شود پتر است. بيهودوز و كاهش مساماي كسبه كشي تمام باه ماليات زمين جلك بدهد آنها كه با كيدن خون مردم كنج نازون بدمت آورده اند با عرض مكرندن دفاتر خود كلر سر دولت و مات بگذارند.

ما امروز طرفدار همان بجزار ناه هشتم ماليات بر درآمد هم حته. بوازي: بود است بايد هر چه زودتر اخذ شود.

دكتور ميايوس: وقت دوت زده است. ضرر ايران بوده ماليات بر درآمد زمان جلك هوشين ما از ان امانزه انتظار ميجهه اداريم.

اگر چه اوسيدن ردهر احتياط را از دست نداده خودمان در همان قاهه بنه و ايرك و سته خاى اورنجاع تازه كورده بودند و اين صفاتي نيست مشر بيهودوز اين تپل غير اى وحشت آتاي توده بيان رده امروزي اگدار بگردد و غير شرط مستقيم بود و بايد تخطيب بدهد طرف دنياوش ميشتول كار روزنامه هاي ما بويت با وجود اين ما اسرار نادرع شايد ميايه بويندگان ردهر بديست بماند.

دو هر صورت تقاضاي بايبي و حكومت نظامي فداان اين شاه بديست سوه استفاده ميكنند.

دوست مانه دورواسه مقام اشخاص را دست دنده بلكه كالگري ها كشيده بود بازيوس و مفاظه فراموش بدهند. لاسر نوصيت مهاجرين توهن ها افنده است. مامورين حكومت؛ نظامي هر چنه نفق را كه ميبنده باهمر كشي حرف ميروند بدون هيچگونه مرموز قانوني به كالگري برده توقيف ميكنند از آن ها ضمانت مي خواهند ايتام مي گيرند الخ ...

اين دوست سيامت دورواسا قننه چه شاك به سر بزميم كه زده ايدى از مردم شره ستانها مخصوصا دعات ايران ترمي گرفت ميراند چه شاك به سر بزميم كه بيشتر مرمزان وحشكيه دصامت و بشايريجان دور از سوه سيامت دولت و بشايركي اوراويان تاجارنه خانه و زده كشي خود را ترمي كرده براي يك قننه قان بينا بيايانه تهران بر بزمينها مرفوشي با بر ترقال غروشي از صيغ ت شام شان بكنند تازه اتمه كورديك نياب چه مدام بهر بزميم كه زده ايدى از مردم بديست شره هاي قشالي ايران وقتي تايق ندهنگي براي چند ماه و با چنند سال به شهر اين نفلار رنده دو باره بر وطن خود مرامت كرده اند.

معلوم نيست دولت ايران كي بدار خواهد شد اين سيامت شورمانريك خواهد كرد - تا كي براي ايوه و زواوت ميان افراد باي خود تخم و كوردهاوت و دشني را بوردش خواهد داد.

كدام چيست - كدام خانه است - بپناهي بيرون شهر - كدام كورديك است - چه كشتار چه بيش - مردم بچاره گرفتار نازون بويه هستند چه زمستان هر كسي براي يك نقل آذرب بدهد نصف باره فرودگي ميكنند.

اين خبر ها همه از يك منبع ميني براي اقمه مشتري اشعار مي بايه بواسطه دهن هاي مرموز و اشعار المني در ده ها ساله با انگشك را كاشگان

بروچشم آييني شهر قهرمان لني كراد بنسبانت آغاز دومين سال دشكستن معاصره دو ساله خود و مدافعه قهرمانه ايكه ساكنين بيون آن در مقابل دشمن مناهج با هوشدي باخر مسامينه بوده باعث نشان ايتام كورديك - در قهرمان اتحاد جماهير شوروي اين روز پير وى را به اهالي لني كراد شادباي كند.

اخبار مهم کشور

اختلاس چهار هزار لوله تريك

بطورى كه روزنامه بين بريستان اطلاع ميدهد دو اداره تريك تهران چاه سوه استفاده با تريك به چهار هزار لوله تريك است كه مامو بويت يا دشو بهر كسان آرا بدهد اند.

اخبار دار آن اداره مظنون واقع شده قضيه تحت بازرسي است

هزار لقيه نفي ديگر

مي گويند آتاي وزير بازرگاني ويسته و هنر اجازه فروش هزار لقيه به ايراني كارخانه صنايع الموه صادر نوده اند. بنا ببلش آتاي وزير در اين معامله جزا برهاتن حال صاحبان كورخشايت كه از بستگان و اقوام خودشان است منظور ديگر نداشته اند.

مامي خوشتمين در اير مربوطه بخرهاتن اين شاهه را براي اطلاع قارنيز آذرب روشن بكنند.

يك كلاه برداري ديگر

بنا بنوفا: روزنامه داد ششم مرتضى هاشمي نامي به وسيله دستر - خانه شماره ۴۰ يك مابون و ايم ربال: واسطه سته سازي سوه استفاده وكلا برداري نوده است.

كشك دفينه

از خبر آاد اطلاع مي دهند كه از اشتر يك كوزه دفينه پيدا شده. اين كوزه بواسطه يك دختر بچه هشت ساله پيدا شده توي آن سيمه عدد مسكار نقره مربوط بفره غافلي عباسي بوده است.

روزنامه اقدام و سيد ضيا

چاين روز است روزنامه اقدام سرمانه هاي دورويديه ضياه وكلاها: او تخمين داده: با لمن شده مخصوص خود خباث هاي او و طرفدارش را بيه تفصيل بيان كرده و قننه و نداد هاي او و بسايراش را آفتابيه نوده است.

كفيل شهر ذاري تبريز

آتاي اقبال آذر كه از كارنهان صدين و باك شهرداري هستند بكنه شهرداري تبريز تعيين گرديده اند ما موافقت اين مرد با كدام آزاد بخواهد چها آرزو نميم.

فرماندار جديد تبريز

ماز نزار اطلاع حاصله آتاي - محتشبه به فرمانداری شهرستان تبريز منصوب گرديده است

استاد زياته

آتاي سيد سعيي به است استانبول استانبول (زياته) تعيين شده است

تنزل بازي تبريز

روزنامه فراد ميرونيه اجناس بازار تبريز بكمپنه و بطور كلي از بار بروه تا بويت دوسه ترمي كرده است

روزنامه فراد ميرونيه سبباين تنزل شكاست از فرماندار خاخال روزنامه فراد حكيت خا

بنگاه اشعارت سام

آتابان مديران و مشتكرين روزنامه طفا شاره تلاف و چدينه بنگه مكار با درواشت فرمايه بنگه اشعارت سام با حاز جديد حودري اتيام اشعارت سام و تويج و چاپ و انعام مطبوعات است

نشاني: اول خيابان فرموسي ك مابن تلن ۶۸۰۹

تنزل نرندو بازار

در رخ بازار تنزل شدي بواج شده است از چنه روز با نظير فراد بجه بنسبانت بازلان دفينه متريك شده بود از آغاز كورده بازرگانان سبب كشته اجناس خود را بر بزمين صدي كالا هاي جديد بطور شدي مخصوصا كرخ شكر و چاي باروش شدي تنزل مي ميشود - خر براه سبلازم ك شده است در عرض شهر هراتات تنزل ميگيرد

فراكسيون اتحاد ملي تلاش شد فراكسيون اتحاد ملي مجلس مملای شد در جاي آن مردم ۱۸ نفر از آنها فراكسيون مردم تشكيل گرديد

محاكمه بانو هلني و مسكين و ناهيده و آل آقا

پرونده سوه استفاده موان آتابان نابرهه براي وسديگي بهيون كسبر فرمائنده شده ايتام مستد دودي كوئين تحت تعقيب قرار گرفته بودند

بهاي گمشد

اوا گروشت مطبوع از فرار هر كار چول روزال متعين شده است ولي قضايا مطابق بلن خود وفادار ميكنند بهر نويدي كه دلشان بدهد ميرونيه بيهادان ايست كه گروشت خالاس كورسته ميروند

بروچشم آييني

شهر قهرمان لني كراد بنسبانت آغاز دومين سال دشكستن معاصره دو ساله خود و مدافعه قهرمانه ايكه ساكنين بيون آن در مقابل دشمن مناهج با هوشدي باخر مسامينه بوده باعث نشان ايتام كورديك - در قهرمان اتحاد جماهير شوروي اين روز پير وى را به اهالي لني كراد شادباي كند.